

# تأثیر جنسیت بر چگونگی اعمال کیفر\*

## عاطفه تاجیک

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

### چکیده

زنان بخشی از جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهند. در برخی موارد، بین آنان و سایر افراد اجتماع تفاوت‌هایی وجود دارد. بخشی از این تفاوت‌ها طبیعی بوده و منشأ زیستی دارد که این مسئله خود، باعث مختلف شدن تکالیف و حقوق آنان در حوزه‌های گوناگون حقوقی شده است. در مقررات جزایی و نحوه اجرای آن نیز تمایزاتی به چشم می‌خورد. فقهای شیعه این تمایزها را پذیرفته‌اند و در قانون مجازات اسلامی نیز انعکاس یافته است.

بسیاری از این تفاوت‌ها با توجه به وضعیت خاص روحی و ظرافت جسمی زن و در جهت حمایت از حقوق وی قانون‌گذاری شده است. در عین حال، تمایزاتی نیز برای حمایت از افراد دیگر، از جمله همسر و فرزندان وی، همچنین صیانت جامعه جعل شده است.

در این میان، دیه زن و تنصیف آن، از مواردی است که نظرات گوناگونی پیرامون آن ارائه شده است. برخی معتقد به تساوی دیه زن و مرد می‌باشند؛ چراکه معتقدند در دوران معاصر، بازدهی اقتصادی زنان با گذشته تفاوت کرده و پررنگ‌تر شده است. در عین حال، بسیاری از فقهای شیعه بر این باورند که خسارت حاصل از فقدان یک مرد در خانواده، بیش از ضرری است که با از بین رفتن زن، متوجه خانواده می‌شود و بدین لحاظ، تنصیف دیه زن را تأیید کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** جنسیت، دیه، حدود، مجازات، قصاص.

## مقدمه

«زن» به عنوان یکی از افراد جامعه، در طول تاریخ بشر همواره محور مهم‌ترین مباحث حقوقی بوده است. شاید یکی از مهم‌ترین مباحث مورد توجه در جوامع، مسئله حفظ و رعایت حقوق کیفری زنان به عنوان نیمی از افراد موجود در جهان، و رعایت تساوی و عدم تبعیض بین زن و مرد بر اساس جنسیت باشد. تفاوت قوانین کیفری مربوط به زنان، از زمان‌های گذشته همواره وجود داشته است، ولی در سده‌های اخیر از دولت‌ها خواسته شده در وضع قوانین و نوع رفتار نسبت به زنان، تفاوت بر اساس جنسیت را نادیده بگیرند. در عین حال، مشاهده می‌شود که در برخی از کشورها زنان از حقوق شایسته‌تر خویشتن محرومند. دلیل این امر آن است که آنها زن را موجودی پست‌تر و پایین‌تر از مرد می‌دانند.

متأسفانه در برخی دیگر از جوامع، به زن به عنوان یک کالا یا یک شیء نفیس و گران‌بها نگریسته می‌شود و حضور وی در جامعه همراه با شکستن حریم عفاف و اخلاق می‌باشد.

در دین اسلام، زن از جایگاه والایی در جامعه برخوردار است و نقش مهمی در رشد و تعالی جامعه به عهده دارد. در نظام حقوقی اسلام، به خصوص در بخش فقه جزایی، تفاوت‌هایی در نحوه قانون‌گذاری نسبت به زنان مشاهده می‌شود. در اسلام، برخی از حقوق و وظایف مختص زنان و برخی مختص مردان است. این مقاله به برخی از تفاوت‌هایی که در فقه و به تبع آن، در قوانین موضوعه بر اساس جنسیت بین زن و مرد وجود دارد پرداخته و آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

## جایگاه زن در اسلام

اسلام زن و مرد را برابر می‌داند و تنها «تقوا» را ملاک برتری انسان‌ها معرفی می‌کند. اسلام با مردود شمردن تمام افکار غلط گذشته، همانند این برداشت نادرست که زنان نمی‌توانند به مقام قرب الهی نایل شوند اعلام نمود همه انسان‌ها، چه زن و چه مرد، می‌توانند به تعالی روحی نایل شوند و از این حیث فرقی بین این دو وجود ندارد. قرآن کریم از زنان درستکار به عنوان «الگو» یاد می‌کند؛ برای مثال، زن فرعون و حضرت مریم را زنانی والامقام معرفی می‌کند. (تحریم: ۱۰-۱۲)

در رسیدن به کمالات انسانی و برخورداری از پاداش اخروی نیز جنسیت را دخیل ندانسته و تفاوتی بین زن و مرد قایل نیست: ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ...﴾ (نساء: ۱۲۴)؛ و هر که از زن و مرد، با ایمان به خدا کار شایسته انجام دهد، آن کس به بهشت درآید ...

اسلام به زن حق داده که در مسائل مربوط به خودش تصمیم بگیرد و در انتخاب روش سیاسی و حکومتی شخصاً اقدام کند. برای مثال، حضرت فاطمه علیها السلام که به عنوان یک نمونه والای زن محسوب می‌شود، در پاس‌داری از اسلام و حریم ولایت نقش زیادی داشت و شجاعانه در مقابل حوادث دشوار روزگار به حمایت از همسرش برخاست و در این راه ایستادگی کرد تا قدرت سیاسی را به مجرای صحیح خویش برگرداند.

امروزه زنان با اظهار نظر در امور سیاسی، برخورداری از حق رأی و حق انتخاب شدن و نیز فعالیت در تشکل‌های سیاسی، در امور سیاسی مملکت شرکت می‌کنند. امام خمینی علیه السلام، بنیانگذار انقلاب اسلامی، می‌فرماید: «همان‌طور که مردان باید

در امور سیاسی دخالت و جامعه خود را حفظ کنند، زن‌ها نیز باید در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی همدوش مردان باشند.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱۹، ص ۱۳) و نیز در جای دیگر فرمودند: «زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند.» (همان، ج ۲، ص ۴۳-۵۰)

مشارکت زنان در امور اقتصادی، از عوامل توسعه جامعه در زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی است. روشن است که زنان می‌توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی خانواده و حتی جامعه خویش داشته باشند. در عین حال که اسلام مرد را موظف دانسته تا نیازهای مالی همسر خود را فراهم کند، اما امروزه بسیاری از زنان در خارج از منزل و دوش به دوش مردان به کار و فعالیت مشغولند.

البته باید گفت که خانه‌داری زنان، خود نوعی شغل برای آنان محسوب شود که جدای از سایر امتیازات، نقش مؤثری در ایجاد رفاه اقتصادی خانواده دارد. از این رو، امروزه نقش اقتصادی زنان در خانه و جامعه را نمی‌توان نادیده گرفت.

### تأثیر جنسیت در انواع جرایم

در حقوق کیفری اسلام، در قانون مجازات اسلامی و در قانون‌گذاری مقررات کیفری، تفاوت‌هایی بین زن و مرد دیده می‌شود. البته غیرقابل انکار است که در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد و ملاحظه همین تفاوت‌ها و سایر جهات باعث شده‌اند که تکالیف و حقوق متفاوتی برای آنها قانون‌گذاری شود. در نحوه اجرای مجازات نیز تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد؛ بدین معنا که در اعمال مجازات برخی از جرایم، جنسیت تأثیر دارد. به تعبیر دیگر، مجازات، بر اساس زن بودن یا مرد

بودن متغیر است، هر چند در بعضی از جرایم فرقی بین زن و مرد در مجازات‌ها وجود ندارد.

در این قسمت با اشاره به برخی از این جرایم و ارائه توضیحی اجمالی در مورد هر یک از آنها، تأثیر جنسیت در آنها را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

### ۱. زنا و بررسی آن در حقوق

زنا به روابط نامشروع زن و مرد گفته می‌شود (زراعت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۵) و حد آن پنج قسم است: قتل، رجم، جلد، تراشیدن موی سر و تبعید. برخی از این مجازات‌ها به تنهایی اعمال می‌شوند و برخی با هم؛ برخی از آنها مختص مردان است و برخی مشترک بین زنان و مردان. در ذیل، به هر یک از آنها اشاره می‌شود:

**الف. قتل:** قتل، از مجازات‌های مختص به مردان می‌باشد. ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی مقرّر می‌دارد: «حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیرجوان، محصن و غیرمحصن نیست: ۱. زنا با محارم نسبی؛ ۲. زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است؛ ۳. زنا با زن مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است؛ ۴. زنا با عتف و اکراه که موجب قتل اکراه‌کننده است.»

مجازات بیان‌شده در این مورد به مردان اختصاص دارد و شامل زن زانیه نمی‌شود اگرچه فلسفه مجازات قتل برای این عمل که قبح آن می‌باشد، اقتضا دارد که این مجازات شامل حال زانیه‌ای که با رضایت تن به این عمل داده نیز بشود. در زنا با مرد غیرمسلمان با زن مسلمان، مجازات قتل فقط به مردان اختصاص دارد؛ چه زن مسلمان با رضایت تن به این عمل داده باشد یا به زور به این کار واداشته شده باشد.

این حکم اجماعی است (فیض، ۱۳۷۱، ص ۳۵۷) و دلیل آن برتری مسلمان بر غیرمسلمان است. اما در مورد کیفر زن، ظاهراً اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی معتقدند که بر آن زن، چنانچه غیرمحصنه باشد، حد جاری می‌گردد و در صورتی که محصنه باشد، جلد و سپس رجم می‌شود. (همان) از ظاهر ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی برمی‌آید که در مورد مجازات زن در این خصوص سکوت کرده، اما اطلاق ماده ۸۸ و ۸۳ او را دربر می‌گیرد و به مجازات‌های مقرر در آن مواد که عبارت است از تازیانه (در صورت غیرمحصن بودن) و رجم (در صورت محصن بودن) کیفر خواهد دید.

**ب. رجم:** یکی دیگر از مجازات‌های زن، رجم است. رجم به معنای سنگسار کردن می‌باشد و مجازات مرد و زن محصنی است که مرتکب زنا شده باشند. این نوع از مجازات مشترک بین زن و مردی است که مرتکب آن شده باشند در صورتی که هر دو محصنه باشند. (موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۳)

**ج. جلد:** جلد به معنای تازیانه زدن می‌باشد و حد آن یکصد ضربه تازیانه است. ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «حد زنا‌ی زن یا مردی که واجد شرایط احصان نباشد ۱۰۰ تازیانه است. پس این حکم برای چند دسته از زناکاران است: الف. مرد زناکاری که ازدواج نکرده؛ ب. زن زناکاری که ازدواج نکرده؛ ج. زن بالغ و عاقلی که کودکی با او زنا کند، چه شوهر داشته باشد و چه نداشته باشد.»

از ظاهر این ماده می‌توان فهمید که زانی و زانیه - هر دو - محکوم به حد می‌شوند و از این لحاظ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. البته در شیوه اجرای آن بین زنان و مردان تفاوت وجود دارد که در مباحث آتی خواهد آمد.

**د. جمع بین جلد و رجم:** از دیگر مجازات‌های زن، اجرای حد تازیانه و سپس سنگسار کردن است و آن مجازات پیرمرد و پیرزنی است که مرتکب زنا شده باشند. (همان)

همچنان که مشاهده می‌شود، در این مجازات نیز بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد.

و. **تازیانه، تبعید و تراشیدن موی سر:** از دیگر مجازات‌هایی که برای زنا مقرر شده است جمع بین جلد، تبعید و تراشیدن موی سر می‌باشد. مطابق ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی، مرد متأهلی که قبل از برقراری رابطه زناشویی با همسر خویش مرتکب زنا شود به این حکم محکوم می‌شود. البته اگر زنی با شرایط فوق مرتکب زنا شود مشمول این حکم نبوده و فقط به حد جلد محکوم می‌شود.

دلایلی که برای عدم اجرای مجازات تبعید و تراشیدن موی سر برای زنان وجود دارد عبارتند از:

۱. مسافرت زن موجب محرومیت شوهر از تمکین وی می‌شود، در حالی که شوهر نباید از مجازات زن متضرر شود.

۲. وقتی زن از اقوام خود دور می‌شود در معرض تماشا قرار می‌گیرد؛ زیرا ترسی از مراقبت اقوام ندارد و مشکلات مالی نیز او را به این کار وادار می‌کند.

۳. بر اساس روایتی از پیامبر ﷺ که زن نباید بدون محرم سفر کند. (زراعت، ۱۳۸۵،

ج ۱، ص ۱۵۹)

### بررسی جرم لواط در حقوق

لواط زشت‌ترین و زیان‌بارترین جرمی است که موجب از هم‌پاشیدگی و تباهی خانواده می‌شود. به همین دلیل، جزای اسلامی، کیفرهای سخت و قاطعی را برای آن قانون‌گذاری کرده که همه آنها به اعدام منتهی می‌گردد. لواط اعم از دخول است و معنای حقیقی آن همان دخول است. (همان، ص ۲۱۷) بر اساس ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، فاعل و مفعول - هر دو - محکوم به حد خواهند شد. اما حد دخول و

غیردخول (تفخیزد) متفاوت است و مجازات لواط به معنای حقیقی آن کشتن به وسیله شمشیر، سوزاندن در آتش، سنگسار، افکندن دیوار روی آنها و پرتاب کردن از بلندی است.

به دلیل آنکه این جرم اخلاقی از جرایم اختصاصی ویژه مردان می‌باشد مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی نیز تنها به مردان اختصاص پیدا می‌کند.

### مساحقه

مساحقه همجنس‌بازی زنان می‌باشد. (ماده ۱۲۷ ق.م.ا.پس، مساحقه یک نوع رفتار جنسی ناهنجار در میان زنان است، کما اینکه لواط در میان مردان رایج است. اما تفاوتی که در این میان وجود دارد تفاوت در مجازات این دو می‌باشد. طبق ماده ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی، «کیفر مساحقه برای هر یک از طرفین صد تازیانه است.» از این رو، قانون در مجازات این جرم برای زنان تخفیف قایل شده و بر خلاف لواط، قتل در نظر گرفته نشده است.

### قوادی

طبق ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی، «قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا و لواط.» ماده ۱۳۸ در بیان مجازات قوادی مقرر می‌دارد: «حد قوادی برای مرد ۷۵ تازیانه است و تبعید از محل به مدت سه ماه تا یک سال و برای زن فقط ۷۵ تازیانه است.»

طبق ماده مذکور، در اعمال مجازات قوادی نیز بین زن و مرد تفاوت وجود دارد و تبعید در مورد زن مرتکب قوادی اجرا نمی‌شود.



## حد قذف

«قذف» به معنای متهم کردن زن عقیقه به زنا می‌باشد. (فیض، همان، ۴۲۸) قذف یکی از جرایم بزرگ می‌باشد که موجب حد است. برای این جرم نیز مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است. کیفر قذف‌کننده ۸۰ تازیانه است. البته تازیانه را نه آنچنان سخت می‌زنند و نه آنچنان ملایم که دردآور نباشد، بلکه کیفری میانه بین آن دو اجرا می‌شود. این تازیانه‌ها بر همه اعضای بدن او بجز سر و صورت و عورت پخش می‌گردد. (فیض، همان، ۴۳۰)

در خصوص کیفر قذف بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد؛ یعنی چه در مورد زن باشد و چه در مورد مرد، کیفر آن همان ۸۰ تازیانه است. در خصوص تحمل ضربات نیز بین آن دو فرقی نمی‌باشد و ضربات به طور متوسط از روی لباس بر بدن قاذف، چه زن و چه مرد، نواخته می‌شود.

## حد شرب خمر

در لغت‌نامه دهخدا، «خمر» به معنای شراب، می و آب انگور مست‌کننده آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل «خمر») در حاشیه این کتاب آمده است: «خمر گویند؛ چون عقل را می‌پوشاند». ماده ۱۶۵ ق.م.ا. مقرر می‌دارد خوردن مسکر موجب حد است، اعم از اینکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص باشد، یا مخلوط، به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند. طبق روایاتی که به دست ما رسیده است حد آن ۸۰ تازیانه است.

یزید بن معاویه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: حضرت علی علیه السلام

شراب خمر و شراب نبیذ را ۸۰ تازیانه می‌زد. (ذهنی تهرانی، ۱۳۸۱، ج ۲۸، ص ۲۲-۲۴)

همچنین ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت علی علیه السلام شارب خمر را ۸۰ تازیانه می‌زد؛ چه آزاد بود و چه بنده، یهودی بود یا نصرانی. (همان)

البته در مورد کیفیت اجرای این حد بین زن و مرد تفاوت وجود دارد، اگرچه در میزان آن تفاوتی نمی‌باشد؛ بدین صورت که ضربات شلاق به پشت و شانه‌ها و سایر قسمت‌های بدن شارب زده می‌شود و از زدن به صورت و سر و آلات تناسلی پرهیز می‌شود. مرد، ایستاده و بدون لباس و زن، نشسته در حالی که لباس‌هایش در بدنش بسته شده باشد شلاق می‌خورد. (موسوی خمینی، بی تا، ص ۴۸۰)

### بررسی شهادت زنان در اثبات جرایم

غیر از تأثیراتی که جنسیت در تعیین میزان جرایم و نحوه اجرای آنان می‌گذارد، مسائل دیگری نیز قابل طرح و بررسی است. یکی از آن مسائل این است که آیا جنسیت در اعتبار شهادت در اثبات جرایم تأثیر دارد یا نه؟ در قانون مجازات اسلامی، شهادت مردان در اثبات جرایم همیشه مؤثر است، اما در مورد شهادت زنان باید گفت که در برخی از جرایم، شهادتشان اصلاً پذیرفته نیست و در برخی جرایم نیز شهادت آنان به ضمیمه شهادت مردان و با احتساب دو زن معادل شهادت یک مرد، مورد قبول است. برای نمونه، در جرم قتل عمد که مستوجب قصاص است، شهادت زنان معتبر نیست، چه به تنهایی باشند و چه پیوسته با مرد (فقیض، همان، ص ۴۴۵) اما در مورد زنا، شهادت زنان به همراه مردان می‌تواند اثبات‌کننده جرم باشد. از این رو، با شهادت سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن نیز ثابت می‌شود. (همان،

## تأثیر جنسیت در اعمال مجازات دیه

همان‌گونه که گذشت، در قانون مجازات اسلامی به مواردی برمی‌خوریم که در آنها تفاوت‌هایی بین زن و مرد از حیث نوع مجازات وجود دارد. در برخی از جرایم اگرچه از نظر نوع مجازات تفاوتی بین آن دو وجود ندارد، ولی قانونگذار در نحوه اعمال مجازات میان آنها تفاوت قایل شده است.

دیه یکی از این مجازات‌ها می‌باشد که در میزان آن میان مردان و زنان تفاوت فاحشی وجود دارد.

دیه کیفری نقدی است که در هر یک از سه مورد ذیل از مجرم به نفع مجنی علیه یا اولیای دم او گرفته می‌شود:

۱. در صورت تراضی مجرم و مجنی علیه؛

۲. در صورت عدم امکان اجرای قصاص؛

۳. در هر موردی که قانون حکم به دیه کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۳۲۲،

ش ۲۵۸۸)

طبق ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی، «دیه قتل زن مسلمان، خواه عمدی و

خواه غیرعمدی، نصف دیه مرد است.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، طبق این ماده، دیه زن نصف دیه مرد مقرر شده است و از این نظر، قانون بین زن و مرد تفاوت قایل شده است. در قرآن کریم در خصوص تفاوت دیه زنان و مردان سخنی به میان نیامده و مبنای این حکم می‌تواند روایاتی باشد که در این زمینه وارد شده است. در تفسیر و توضیح این تفاوت، عده‌ای علت آن را پایین‌تر بودن ارزش وجودی زن نسبت به

مرد می‌داند. آنها عقیده دارند دیه بر اساس ارزش مادی افراد تعیین می‌شود و چون ارزش زنان پایین‌تر از مردان می‌باشد، دیه آنها هم نصف دیه مردان است.

اما برخی دیگر از اندیشمندان معتقدند طبق نظر اسلام، زن و مرد با هم مساوی هستند و بین آنان تفاوتی وجود ندارد؛ ولی چون توانایی‌های اقتصادی مردان بیشتر از زنان است و اغلب فعالیت‌های جامعه بر عهده مردان قرار دارد، به همین دلیل، نقش اقتصادی مردان بیش از زنان می‌باشد. به دلیل آنکه مرد عهده‌دار اقتصاد خانواده و جامعه است، فقدان او ضرر بیشتری را متوجه خانواده و اجتماع می‌کند تا فقدان یک زن؛ از این رو، دیه او دو برابر دیه زن قرار داده شده است. اما این نکته را نیز باید در نظر داشت که در نظر این گروه، این موارد دلیل بر پایین‌تر بودن ارزش زن نیست؛ چراکه دیه معیار سنجش ارزش آدمی نمی‌باشد. برخی صاحب‌نظران در این زمینه چنین اظهار نظر کرده‌اند: «زن و مرد دارای ابعاد تالائه هستند: بُعد اول، بُعد انسانی و الهی؛ بُعد دوم، بُعد علمی و بُعد سوم بعد اقتصادی زن و مرد است. در دو بعد اول بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد و آن دو در پیشگاه خدا یکسانند و نیز هر دو می‌توانند در پی کسب علم بروند. در بعد اقتصادی نیز از لحاظ بازده اقتصادی بین زن و مرد تفاوت وجود دارد. ایشان می‌فرمایند: دیه هم جنبه جبران خسارت دارد و هم جنبه مجازات. جنبه مجازات دارد تا فرد حواسش را جمع کند و دیگر مرتکب این خطاها نشود. جنبه خسارت دارد تا جای خالی و خلأ اقتصادی فردی که از خانواده از بین رفته بشود. ایشان عقیده دارند باروری و وضع حمل زن، دوران شیردهی و دوران حمایت از بچه خدمتی است، ولی کار اقتصادی نیست. اینها بیشتر عمر زن را صرف می‌کند و موانعی

است که نمی‌گذارد بازدهی اقتصادی زن‌ها بیشتر شود و چون ساختمان بدن زن با بدن مرد فرق دارد و مردها برای کارهای خشن ساخته شده‌اند، به همین دلیل، بیشتر کارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه به دست مردها افتاده است.» (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱)

آیت‌الله بجنوردی در این باره این‌گونه اظهار نظر کرده است: «این حکم که دیه مرد دو برابر دیه زن است به این علت است که مرد مسئولیت اقتصادی دارد و زن فقط مصرف‌کننده است و خودش مولد نیست. حال اگر به روزگاری رسیدیم که زن هم دوش به دوش مرد در فعالیت‌های اقتصادی شرکت دارد، او هم مولد است و کمتر از مرد نیست. این ممکن است در قوانین دیه تأثیر گذارد؛ بسته به این است که برداشت ما از ادله به چه شکل باشد.» (موسوی بجنوردی، [بی تا]، ص ۱۵) در دیه اعضا نیز بین زن و مرد تفاوت وجود دارد. طبق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد و در آن صورت، دیه زن نصف دیه مرد است.» به این ترتیب، مرد و زن تا زمانی که دیه عضو به  $\frac{1}{3}$  دیه کامل برسد با هم برابرند؛ پس از آن، دیه زن نصف دیه مرد می‌شود. این حکم برگرفته از فقه شیعه می‌باشد و مبنای آن روایاتی است که در این خصوص وارد شده است.

شاید بتوان قایل به تغییر این حکم در عصر حاضر شد تا زنان نیز بتوانند خساراتی را که در اثر جراحات و جنایات وارده متحمل شده‌اند بدین طریق مطالبه کنند؛ به‌ویژه در مورد زنانی که خود سرپرست خانوار بوده یا تحت خانواده‌های بدسرپرست قرار دارند.

## تأثیر جنسیت در اعمال مجازات قصاص

ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی، «قصاص» را این‌گونه تعریف می‌کند: «قصاص کیفری است که جانی محکوم به آن می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد.» ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی، عامل قتل عمد را مستوجب قصاص دانسته است. ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را به او بپردازد.» و نیز در ماده ۲۵۸ در خصوص کیفیت استیفای قصاص آمده است: «هرگاه مردی زنی را به قتل رساند، ولی دم، حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می‌تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید.»

این دو ماده حاکی از آن است که اولیای دم زن مقتول می‌توانند مانند اولیای دم مرد مقتول تقاضای قصاص قاتل بنمایند، مشروط به اینکه نیمی از دیه مرد را پیش از قصاص به وی بپردازند. این شرط می‌تواند در مواردی از شدت و قوت مجازات قصاص بکاهد؛ زیرا طبق این شرط، به دلیل عدم پرداخت مابه‌التفاوت دیه از سوی اولیای زن، قصاص مرد قاتل به تعویق می‌افتد و این باعث تفاوت زن و مرد در مجازات می‌شود. حال آنکه اگر مرد مسلمانی مرد مسلمان دیگری را بکشد، در صورت تقاضای اولیای دم حکم قصاص فوراً اجرا می‌شود.

اما در قصاص عضو بر اساس ماده ۲۷۳ قانون مجازات اسلامی، مرد و زن با هم برابرند و مرد مجرم به سبب جرح یا نقص عضوی که به زن وارد آورد به قصاص عضو مانند آن محکوم می‌شود، مگر اینکه دیه عضو ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل

باشد که در این صورت، زن وقتی می‌تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را بپردازد. پس در نحوه اعمال این مجازات نیز جنسیت تأثیرگذار بوده و موجب عدم همسانی بین زن و مرد شده است که همان پرداخت مابه‌التفاوت دیه مرد جانی از سوی زن مصدوم می‌باشد.

اما در آیات قرآن به این تفاوت، تصریح و یا اشاره‌ای نشده است. آیه ۴۵ سوره مائده نفس را در برابر نفس قرار داده، می‌فرماید: ﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (مائده: ۴۵)؛ ما در تورات بر آنان مقرر داشتیم که جان در برابر جان، چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان، و نیز همه ضرب و جرح‌ها قصاص دارد و هر کس از قصاص درگذرد این در حکم کفاره گناهان اوست.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این آیه که در بیان قصاص اعضا می‌باشد، اشاره‌ای به تفاوت در قصاص زن و مرد ندارد. آیه ۱۷۸ سوره بقره نیز چنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نوشته شد بر شما قصاص کشته‌شدگان؛ آزاد در برابر آزاد و بنده در برابر بنده و زن در برابر زن. پس آنکه برای او از سوی برادرش چیزی بخشیده شود، پس پیروی به پسندیدگی و انجام به سوی نیکی تخفیفی است از پروردگار شما و رحمتی. پس هر کس بعد از آن دشمنی بیشه‌گیرد برای او عذابی دردناک است.

این آیه اگرچه در مقام بیان قصاص است، در عین حال، دلالتی بر تفاوت قصاص زن و مرد ندارد. پس از طریق آیات قرآن نمی‌توان به این تفاوت پی برد، اما روایاتی در فقه شیعه<sup>۱۰</sup> وجود دارند که دلیل عمده حکم تفاوت قصاص مرد و زن را تشکیل می‌دهند. مشکلی که در زمینه اجرای قصاص اعضای بدن وجود دارد این است که بسیاری از زنان صدمه دیده یا اولیای آنان قادر به پرداخت فاضل دیه نیستند و این باعث به تأخیر افتادن اجرای قصاص و عدم اجرای عدالت در جامعه و در نتیجه، جسارت مجرمان خواهد شد.

برای حل این مشکل، پیشنهاد می‌شود دولت با حمایت بانک‌ها و شرکت‌های بیمه صندوقی برای حمایت از زنان صدمه‌دیده و بستگان زنان مقتول ایجاد کند و پس از احراز ناتوانی مجنی علیه یا اولیای وی از پرداخت فاضل دیه، این صندوق به جای آنان این مبلغ را به قاتل یا اولیای او بدهد و آنان نیز متعهد گردند که مبلغ را به صورت اقساط برگردانند.

### تأثیر جنسیت در به تأخیر افتادن اجرای احکام

پس از اثبات حکم و طی مراحل قانونی، حکم باید فوراً اجرا شود و نباید در اجرای احکام تأخیر کرد. اما مسائلی در قانون و شرع وجود دارند که باعث به تأخیر افتادن اجرای احکام می‌شوند. «جنسیت» یکی از این عوامل به شمار می‌رود.

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در ایام بارداری و نفاس زن، حد رجم بر او جاری نمی‌شود و نیز بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود، حد بر او جاری نمی‌شود؛ ولی اگر نوزاد کفیل داشته باشد حد بر او جاری می‌گردد.»



همچنین در ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: «زن حامله‌ای که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل نیز در صورتی که قصاص موجب هلاکت طفل باشد به تأخیر می‌افتد. اما پس از وضع حمل، اجرای قصاص در صورتی به تأخیر می‌افتد که حیات طفل متوقف بر حیات مادر باشد و اگر زنده ماندن طفل بدون شیر مادر ممکن باشد قصاص باید اجرا گردد.» (مرعشی شوشتری، ۱۳۶۵، ص ۷۴)

بدیهی است آنچه قانونگذار را واداشته است تا مجازات زن در شرایط بارداری و شیردهی را به تأخیر بیندازد همانا رعایت جان کودک و در نظر گرفتن مصالح اوست، کما اینکه قانونگذار خود تصریح می‌کند: در صورتی که کودک به دنیا آمده باشد، ولی نگران از دست رفتن او نباشند می‌توان حد را به زن مجرم جاری کرد. منظور آن است که در صورت قصاص مادر، جان کودک به خطر نمی‌افتد و از این لحاظ نگرانی وجود ندارد و می‌توان مادر را قصاص کرد.

مجموعه مقالات فقهی  
رتال جامع علوم انسانی

### تأثیر جنسیت بر کیفیت اجرای حد

در کیفیت اجرای حد نیز به لحاظ مصالحی، بین زن و مرد تفاوت وجود دارد. چنانچه زن و مردی به حد رجم محکوم شوند، در هنگام اعمال مجازات رجم، زن را تا سینه و مرد را تا کمر در گودال دفن می‌کنند. (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۵) اگر مرد و زن از گودال فرار کنند، چنانچه زنا با بیته ثابت شده باشد برگردانده می‌شوند و اگر به اقرار ثابت شده باشد، بعد از خوردن سنگ، برگردانده نمی‌شوند. اما در جلد، فرار نفعی ندارد، بلکه برگردانده می‌شود. در هنگام اعمال مجازات رجم، سزاوار است که سنگ‌ها کوچک باشند و کسی که بر عهده‌اش حدی باشد اقامه حد ننماید. (همان، ج ۲، ص ۱۹۶)

## تأثیر جنسیت بر اجرای مجازات شلاق

ماده ۹۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا طفل شیرخوار وجود داشته باشد اجرای حد تا رفع بیم ضرر به تأخیر می‌افتد.» در این ماده نیز علت تأخیر حکم، احتمال ضرر برای طفل می‌باشد. از این رو، برای حفظ جان کودک یا سلامتی وی، مجازات زن را می‌توان تا زمان مناسب به تأخیر انداخت.

طبق ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی، هرگاه مریض یا زن مستحاضه محکوم به قتل یا رجم باشند حد بر آنها جاری می‌شود، ولی اگر محکوم به جلد باشند اجرای حد تا رفع بیماری و استحاضه به تأخیر می‌افتد.

تأخیر در اجرای مجازات تازیانه به دلیل رعایت حال زن مریض و مستحاضه می‌باشد؛ زیرا ممکن است اجرای مجازات باعث تشدید بیماری و یا ایذاء بیشتر آنها شود که با عدالت نظام حقوقی اسلام منافات دارد. اما قرار داشتن زن در دوران حیض مانع از اجرای مجازات نیست؛ زیرا چنین حالتی بیماری تلقی نمی‌شود.

در زمینه کیفیت و نحوه اجرای شلاق، از جهت دیگری نیز بین زن و مرد تمایز وجود دارد: مجازات تازیانه بر مرد زانی باید به صورت ایستاده باشد و بجز پوشش عورت، لباس دیگری بر تن نداشته باشد؛ ولی در مورد زن، لباس‌های او را بر بدنش می‌بندند. (همان، ج ۲، ص ۴۶۶) علت این امر از یک طرف، حکم پوشش زن به دلیل لزوم حفظ حجاب اسلامی برای اوست و از سوی دیگر، رعایت حال جسمی و ظرافت بدن او. این تفاوت در جهت حمایت از وی در مقابل آسیب‌های احتمالی جسمی است.

## تأثیر جنسیت در اعمال مجازات حبس

در زمینه اعمال مجازات حبس تفاوت فاحشی بین زن و مرد وجود ندارد، جز اینکه رعایت حال مادران شیرده شده است. تبصره ماده ۶۵ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیت‌کشور مقرر می‌دارد: «زندانیان زن می‌توانند اطفال خود را تا ۲ سالگی همراه داشته باشند و رؤسای زندان می‌توانند در هر زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ تا ۶ سال در محل مجزا (مهد کودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به بهزیستی یا مؤسسات نگه‌داری اطفال مبادرت نمایند.»

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این زمینه قانونگذار برای زنان شیرده تخفیف قایل شده است تا بدین وسیله، هم رعایت حال طفل شده باشد و او از نعمت محبت مادر و تغذیه مادر محروم نشود و هم در جهت حمایت از مادران است تا از رنج دوری از فرزند خویش در امان باشند و احساسات مادرانه آنان در محیط بسته و خشک زندان ارضا شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نتیجه

در بررسی تأثیر جنسیت در چگونگی اعمال کیفر در حقوق جزای ایران دریافتیم که عامل جنسیت در حقوق جزای ایران تأثیر دارد و منجر به وضع قوانین متفاوتی میان زنان و مردان گردیده است. بنابر آنچه گفته شد، می‌توان این تفاوت‌ها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. دسته اول، جنبه حمایتی دارد و در جهت حمایت از زنان با توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی آنان است و قابل قبول همه علما می‌باشد.

۲. دسته دیگر از این تفاوت‌ها در جهت حمایت از دیگران یا اجتماع است و علت آنها مشخص بوده و اختلاف نظری در مورد آنها وجود ندارد.

۳. اما دسته سوم، تفاوت‌هایی است که چالش‌برانگیز بود، و مورد بحث علمای شیعه قرار گرفته است. در این زمینه، می‌توان به تفاوت زن و مرد در دیه نفس و اعضا و همچنین به قصاص اشاره کرد. نظر علما در این باره متفاوت است، اما به طور کلی دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد:

۱. نظریه مشهور فقها که از تفاوت‌ها حمایت می‌کند.

۲. نظریه دیگر که معتقد به تساوی زن و مرد در این زمینه‌ها می‌باشد.

در آیات قرآن سخنی از این تفاوت‌ها به میان نیامده است و دلیل مشهور فقها روایاتی است که در این زمینه در جوامع حدیثی موجود است. علت عمده‌ای که در تأیید دیدگاه اول بیان شده به تفاوت در بازده اقتصادی مرد و زن برمی‌گردد؛ بدین معنا که چون مردان نقش بیشتری در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه ایفا می‌کنند، ضرری که با فقدان آنان متوجه خانواده و جامعه می‌شود بیش از ضرری است که با از دست رفتن زن در خانواده متوجه خانواده و اجتماع می‌گردد. این سخن اگرچه در جای خود قابل قبول است، ولی با توجه به تغییر شرایط و موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان در جهان و در جوامع شیعی، توجیه آن به بحث و مطالعه بیشتری نیازمند است.

## منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق؛ چ سیزدهم، تهران: احمدی، ۱۳۸۲.
۲. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳. ذهنی تهرانی، جواد؛ مباحث الفقهیه فی شرح روضه البهیة؛ قم: وجدانی، ۱۳۸۱.
۴. زراعت، عباس؛ شرح قانون مجازات اسلامی؛ تهران: ققنوس، ۱۳۸۰.
۵. شفیع‌ی سروسستانی، ابراهیم؛ تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص؛ تهران: سفیر، ۱۳۸۰.
۶. \_\_\_\_\_؛ قانون دیات و مقتضیات زمان؛ تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۶۷.
۷. فیض، علیرضا؛ مقارنه و تطبیق در حقوق جزایی عمومی اسلام؛ چ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
۸. مرعشی شوشتری، محمدحسن؛ شرح قانون حدود و قصاص؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
۹. موسوی بجنوردی، محمد؛ «تعارض و تعامل بین فقه و حقوق بشر»، مجله فرزانه؛ شماره ۸، [بی تا].
۱۰. موسوی خمینی، روح‌الله؛ تحریر الوسیله؛ چ دوم، قم: دارالعلم، [بی تا].
۱۱. \_\_\_\_\_؛ صحیفه نور؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی